

Vol 1 - No 2 – 2026

Reseived Date:

28/02/2026

Accept Date:

10/06/2026

PP: 79-97



سال ۱ - شماره ۲ - پاییز ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

صفحات: ۷۹-۹۷

فرصت‌ها و چالش‌های سیاسی - امنیتی راهبرد نگاه به شرق

جمهوری اسلامی ایران

سعید صادقی*^۱ - قربانعلی قربانزاده سوار^۲

چکیده:

راهبرد «نگاه به شرق» جمهوری اسلامی ایران در دو دهه اخیر، به یک محور کانونی در تدابیر راهبردی این کشور تبدیل شده است. پرسش محوری این پژوهش آن است که: «اجرای راهبرد نگاه به شرق، چگونه معادلات امنیت ملی ایران را در سیستم منطقه‌ای غرب آسیا بازتعریف کرده و چه هزینه‌ها و منافع را برای ایران در پی داشته است؟» یافته مرکزی مقاله حاکی از یک تناقض امنیتی ذاتی در این راهبرد است. از یک سو، این راهبرد فرصت‌های بی‌بدیلی را ایجاد کرده و از سوی دیگر، این پژوهش استدلال می‌کند که این راهبرد، چالش‌های عمیقی نیز پدید آورده که ثبات امنیتی بلندمدت ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مقاله در نتیجه‌گیری خود بر این نکته تأکید دارد که راهبرد نگاه به شرق، اگرچه در کوتاه‌مدت به یک ضرورت راهبردی برای بقای جمهوری اسلامی ایران بوده، اما در بلندمدت، منطقه را به عرصه‌ای برای رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل کرده و امنیت ایران را در دام یک بازی با حاصل جمع جبری صفر گرفتار کرده است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نگاه به شرق، واقع‌گرایی

تهاجمی، موازنه قدرت، امنیت ملی، رقابت قدرت‌های بزرگ

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
Saeedsadeghiii2000@gmail.com

^۲ - دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

Political-security opportunities and challenges: Looking to the East of the Islamic Republic of Iran

Saeed Sadeghi ^۱- Ghorbanali Ghorbanzadeh Savar^۲

Abstract

The Islamic Republic of Iran's "Look to the East" strategy over the past two decades has become a central pillar of this country's strategic considerations. The central question of this research is: "How has the implementation of the Look to the East strategy redefined Iran's national security calculus within the West Asian regional system, and what costs and benefits has it entailed for Iran?" The paper's core finding indicates an inherent security paradox in this strategy. On one hand, it has created unparalleled opportunities, and on the other hand, this research argues that the strategy has also generated profound challenges affecting Iran's long-term security stability. In its conclusion, the paper emphasizes that the Look to the East strategy, while a strategic necessity for the survival of the Islamic Republic of Iran in the short term, has, in the long term, turned the region into an arena for great power competition and trapped Iran's security in a zero-sum game. The proposal is the necessity of moving from an "ideological Look to the East" towards a "pragmatic, cost-benefit-based Eastern strategy," in which a smart balance is struck between short-term and long-term economic-security interests.

Keywords: reign Policy of the Islamic Republic of Iran, Look to the East Policy, Offensive Realism, Balance of Power, National Security, Great Power Competition

^۱- Master's Degree in International Relations, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran
Saeedsadeghi2000@gmail.com

^۲ - Associate Professor Department of Political Science, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran

مقدمه

در جهان به شدت رقابتی قرن بیست‌ویکم، سیاست‌خارجی ایران از زمان انقلاب اسلامی تاکنون، در تعامل با نیروهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای دستخوش تحولاتی بنیادین شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی درک تصمیم‌گیرندگان سیاست‌خارجی ایران از روابط بین‌الملل متحول شد و نفی سلطه بیگانگان به مؤلفه اصلی در تدوین سیاست خارجی تبدیل شد. از اینرو، نوع نگاه حکومت به نظام بین‌الملل در اصل محوری «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» تجلی یافت. (رومی، ۱۴۰۲) اما با آشکار شدن هزینه‌های سنگین این راهبرد که نمونه‌های آن را می‌توان در اتحاد ابرقدرت‌های شرق و غرب در حمایت از رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی (پاک‌آیین، ۱۴۰۳: ۱۰۱) و همچنین تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و قطعنامه‌های شورای امنیت دید، لزوم تحولات بنیادین در اولویت‌های سیاست خارجی غیرقابل انکار به نظر می‌رسید. سیاست «نگاه به شرق» یا «نگاه به آسیا»^۱ که در دو دهه اخیر در پی ناامیدی ایران از غرب به یکی از اولویت‌های راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بدل گشته، کانون این تحولات است. سیاست نگاه به شرق مفهومی است که از دهه ۱۹۹۰ و به ویژه به دنبال سیاست مہار دوگانه آمریکا در خاورمیانه و با هدف افزایش روابط با روسیه، چین، هند و کشورهای آسیایی مورد توجه ایران قرار گرفت. در آن مقطع ایران در عین حال که امیدوار به توسعه روابط با غرب بود؛ فصل جدیدی از همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی با دو کشور روسیه و چین را گشود. این راهبرد در دولت سیدمحمد خاتمی به واسطه تنش‌زدایی در روابط ایران و غرب کنار گذاشته شد. نقطه اوج سیاست نگاه به شرق در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ اتفاق افتاد. نگاه غالب در آن سال‌ها این بود که اگر ایران به دولت‌های چین، روسیه و هند نزدیک شود، هم می‌تواند از رأی مثبت آن‌ها در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت برخوردار گردد و هم اینکه خود را از فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌های غرب رهایی بخشد. اما با روی کار آمدن

^۱ - (Look to the East), (Pivot to the East), (Eastern Policy) سیاست شرقی، چرخش به شرق یا نگاه به شرق: اشاره به راهبردی دارد که در آن محور توجه سیاست‌خارجی از کشورهای غربی برداشته شده و بر روی کشورهای شرقی متمرکز می‌شود. در زبان آلمانی شرقی (Ostpolitik) بنگرید به: شیخ‌الاسلامی وعظازاده ۱۴۰۱، URL: 1 و Sanaei & Karami, 2021

دولت حسن روحانی، سیاست خارجی ایران از نگاه به شرق فاصله گرفت و مجدد نگاه به غرب را جایگزین آن ساخت. با تشکیل دولت سیزدهم، ابراهیم رئیسی نیز از همان ابتدا پیگیری سیاست نگاه به شرق را راهبرد سیاست خارجی خود اعلام کرد. (تقوایی پور و باقری دولت‌آبادی، ۱۴۰۳: ۱۰۳)

در سال‌های اخیر، سیر رویدادها و تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای نظیر رشد شتابان اقتصادی چین، فزونی گرفتن آتش جنگ روسیه و اوکراین، روی کار آمدن دوباره ترامپ و اعلام جنگ تجاری و تعرفه‌ای با چین، رأی چین و روسیه در شورای امنیت سازمان ملل بر له ایران در خصوص تحریم‌های این شورا و در نهایت، جنگ‌های تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، جملگی باعث شد تا راهبرد نگاه به شرق در دولت مسعود پزشکیان نیز با شدت بالایی پیگیری شود.

درک عمق این تحول، مستلزم عبور از تحلیل‌های سطحی و گسست از خوانش‌های صرفاً اقتصادی است. آنچه «نگاه به شرق» را به موضوعی شایان تأمل بدل می‌کند، تأثیر دوسویه آن بر امنیت ملی ایران است. از یک سو، این راهبرد با گشودن کانال‌های همکاری با قدرتهای شرقی مانند چین و روسیه، فرصت‌های بی‌بدیلی برای ایران در حوزه انتقال فناوری، همکاری‌های امنیتی، و ایفای نقش در نهادهای چندجانبه (مانند سازمان همکاری‌های شانگهای) ایجاد کرده است. از سوی دیگر، همین مسیر، ایران را در معرض چالش‌های نوینی قرار داده است؛ از جمله افزایش احتمال رویارویی مستقیم‌تر با بلوک غرب، وابستگی راهبردی به متحدانی با منافع گاه متعارض، و تشدید گفتمان امنیتی-سازي عليه جمهوری اسلامی ایران.

پرسش محوری این مقاله بر این تناقض متمرکز است: اجرای راهبرد نگاه به شرق، چگونه معادلات امنیت ملی ایران را در سیستم منطقه‌ای غرب آسیا بازتعریف کرده و چه هزینه‌ها و منافعی را برای ایران در پی داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش، این مقاله با اتخاذ چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی، به تحلیل این فرضیه می‌پردازد که راهبرد نگاه به شرق، اگرچه در کوتاه‌مدت ضرورتی راهبردی برای تضمین بقا و کاهش فشارهای خارجی بوده، اما در بلندمدت، ایران را در دام یک «تناقض امنیتی» گرفتار کرده است. در این تناقض، دستاوردهای امنیتی کوتاه‌مدت، با هزینه‌های راهبردی بلندمدت و تشدید میدان رقابت قدرتهای بزرگ در منطقه حساس غرب آسیا همراه

شده است. ساختار این مقاله بدین ترتیب است: پس از مقدمه، ادبیات پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است و سپس چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی تبیین خواهد شد. در ادامه، با روشی توصیفی-تحلیلی و با استناد به اسناد بالادستی، بیانیه‌های هم‌پیوندی راهبردی و گزارش‌های معتبر بین‌المللی، فرصت‌ها و سپس چالش‌های سیاسی-امنیتی این راهبرد به تفصیل بررسی می‌شود. در نهایت، در بخش نتیجه‌گیری، بر پایه یافته‌های تحقیق، گذار از یک «نگاه به شرق ایدئولوژیک» به سوی یک «راهبرد شرقی عملگرا و مبتنی بر محاسبه هزینه-فایده» به عنوان راهبرد بهینه پیشنهاد خواهد شد.

سوابق و ادبیات پژوهش

در رابطه با راهبرد نگاه به شرق، پژوهش‌های متعدد و متنوعی به زبان‌های معتبر بین‌المللی از جمله زبان فارسی به رشته تحریر درآمده است که هر کدام از جنبه‌های گوناگون هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناسی به این مهم پرداخته‌اند. آقایان فریبرز ارقوانی پیرسلامی و علی دهقان (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان «ایران در گرداب سیاست نگاه به شرق: چگونه عزت و حکمت فدای مصلحت می‌شوند؟» به سه اصل اساسی عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند و به این سوال پاسخ می‌دهند که چگونه این سه اصل منجر به ظهور سیاست نگاه به شرق در ایران شده است. و در ادامه استدلال می‌کنند که عزت و حکمت در رابطه با سیاست نگاه به شرق فدای مصلحت شده است. منیره اخوان (۱۳۹۲) در کتاب خود تحت عنوان «تأثیر سیاست نگاه به شرق بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» به نقش رویکرد نگاه به شرق در تأمین منافع اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است و توضیح می‌دهد که چگونه سیاست نگاه به شرق می‌تواند امنیت انرژی در بعد اقتصادی و برنامه هسته‌ای در بعد سیاسی را تأمین نماید. شیرین هانتر (۲۰۲۴) در مقاله خود با عنوان «چرا سیاست نگاه به شرق ایران شکست خورده است؟» به‌طور اجمالی به سیاست نگاه به شرق و جوانب آن پرداخته و در پایان نتیجه می‌گیرد که این رویکرد به دلیل دشمنی ذاتی ایران با ایالات متحده و اسرائیل شکست خورده است؛ چراکه ایالات متحده در اغلب موارد چین و روسیه

1- Aggressive Realism Theory

2- Shireen Hunter

را در همکاری با ایران منصرف کرده است. یاوز چلیک (۲۰۲۲) در اثر خود تحت عنوان «مروری بر روابط چین و ایران و تأثیر آن بر آسیای مرکزی» به تعامل ایران و چین در قالب قرارداد ۲۵ ساله، ابتکار یک جاده یک کمربند و سازمان همکاری شانگهای و تأثیر این تعاملات بر کشورهای آسیای مرکزی پرداخته است. سید فندیل عباس (۲۰۲۳) در مقاله خود با عنوان «سیاست نگاه به شرق ایران: گامی به سوی مقابله با فشارهای غرب» روند گرایش ایران به شرق را تبیین کرده و به بررسی انتقادی این موضوع پرداخته که ایران چگونه می‌تواند سیاست نگاه به شرق خود را تحت سناریوهای منطقه‌ای و بین‌المللی جاری اجرا کند. محسن پاک‌آیین (۱۴۰۳) در مقاله خود با عنوان «نگاه به شرق از تبیین تا راهبرد (با تأکید بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی)» به بررسی سیاست نگاه به شرق از منظر اندیشه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است.

با مطالعه سوابق و پیشینه پژوهش، فقر تحقیقاتی همسو با موضوع پژوهش حاضر به صورت قابل توجهی در ادبیات موجود به چشم می‌خورد. این تحقیق از وجوه گوناگون که در زیر به آن‌ها اشاره شده است با پژوهش‌های پیشین متفاوت است: الف) این تحقیق راهبرد نگاه به شرق را نه به عنوان یک انتخاب سیاسی ساده، بلکه در قالب یک «پارادوکس امنیتی» ذاتی تحلیل می‌کند؛ ب) بر تعامل دیالکتیکی میان دستاوردهای امنیتی کوتاه مدت و هزینه‌های راهبردی بلندمدت تأکید می‌ورزد؛ ج) ایران را در سیستم منطقه‌ای غرب آسیا نه فقط به عنوان کنشگر منفعل، بلکه به عنوان بازیگری فعال در حال بازتعریف معادلات امنیتی از طریق راهبرد شرقی در نظر می‌گیرد؛ د) راهکار عملیاتی‌ای برای خروج از بن‌بست به ایران پیشنهاد می‌دهد.

چارچوب نظری: نظریه واقع‌گرایی تهاجمی

نظریه واقع‌گرایی تهاجمی که بیش از هر کسی با نام جان مرشایمر شناخته می‌شود، شاخه‌ای از واقع‌گرایی نوکلاسیک محسوب می‌شود که از نظر استدلالی بسیار به والتر شباهت دارد. اما در تحلیل‌های خود بسیار به مطالعات تاریخی بها می‌دهد و باتوجه به تأکید بر غیرمستقیم و پیچیده بودن تأثیر قدرت نسبی بر سیاست خارجی راه خود را از نواقص گرایبی جدا می‌کند. (مشیرزاده، ۱۴۰۱: ۱۳۰) این نظریه برخلاف رئالیسم کلاسیک

1- Yavuz CELIK

2- John Mearsheimer

مهمترین مسأله را برای دولت‌ها امنیت‌سازی می‌داند و نگاه متفاوتی به علل و ریشه‌های پویش‌های رفتاری بازیگران در نظام آنارشیک بین‌الملل دارد. از مهمترین نظریه‌پردازان این نظریه می‌توان از جان مرشایمر، رابرت جرویس، جک اسنایدر،^۲ فرید زکریا،^۳ ویلیام وولفورت،^۴ و تامس کریستیانسن^۵ نام برد. (نوروزی، ۱۳۹۳) از دید جان مرشایمر دولت‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که سرشار از تهدیدات است و واحدهایی‌اند که تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند: «هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برساند، که این به معنای کسب قدرت به زیان دیگران است». به نظر مرشایمر دلیل اصلی قدرت‌طلبی دولت‌ها را باید در سه چیز جستجو کرد: ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل؛ توانمندی‌های تهاجمی؛ و عدم اطمینان در مورد نیت و مقاصد دشمن. (مشیرزاده، ۱۴۰۱: ۱۳۱-۱۳۲) به‌طور خلاصه می‌توان مفروضه‌های نظریه واقع‌گرایی تهاجمی را به‌شرح زیر بیان نمود: الف) واقع‌گرایان تهاجمی بر این باورند که به علت آنارشیک بودن ماهیت نظام بین‌الملل مخاصمه در نظام بین‌الملل اجتناب‌ناپذیر است؛ ب) دولت‌ها بازیگران خردورز و کارگزاران اصلی در نظام بین‌الملل هستند؛ ج) برای دولت‌ها قدرت نسبی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ د) تأکید آن‌ها بر تحلیل‌های تاریخی است؛ و) افزایش قدرت امری دائمی محسوب می‌شود؛ ه) کسب بقا منوط به اتخاذ وضعیت تهاجمی است و به تنش‌زایی و خلع سلاح ابرقدرت‌ها اعتقادی ندارند. (نوروزی، ۱۳۹۳)

یافته‌های پژوهش:

عوامل مؤثر بر پیگیری رویکرد نگاه به شرق از سوی جمهوری اسلامی ایران
برای پاسخ به این سؤال که «چرا جمهوری اسلامی ایران راهبرد نگاه به شرق را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است؟» می‌توان به چندین عامل اشاره کرد. در زیر عواملی که منجر به اتخاذ این سیاست از سوی ایران شده است در سه سطح تحلیل خرد، میانه و کلان بررسی شده است.

1- Robert Jervis

2- Jack Snyder

3- Fareed Zakaria

4- William Wohlforth

5- Thomas Christensen

یکی از عواملی که در سطح خرد می‌توان آن را بررسی کرد و تأثیر قابل توجهی در گرایش ایران به شرق داشته است، نقش امامین انقلاب در اتخاذ این سیاست است. امام راحل (ره)، عمدتاً کشورهای آسیا را به عنوان «شرق» مورد توجه قرار داده و در مفهوم سیاسی، شرق را به معنای کشورهایی می‌دانستند که صرف‌نظر از موقعیت جغرافیایی، در مقابل «غرب» قرار داشتند. در واقع کشورهای واقع در آسیا و کشورهای هم‌سو با سیاست خارجی ایران در ادبیات سیاسی امام خمینی، شرق نامیده می‌شدند. رویکرد امام خمینی (ره) در سیاست خارجی، ایجاد نوعی تفاهم و اتحاد در جناح «شرق» برای مقابله با سلطه‌طلبی «غرب» بود. امام راحل برای شرق با مفاهیم جغرافیایی و سیاسی، اصالت قائل بوده و حتی به غیرمسلمانان توصیه می‌کردند که شرقی باشند و در مقابل غرب بایستند. (پاک‌آیین، ۱۴۰۳: ۱۰۶). علاوه بر امام خمینی (ره)، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در روابط خارجی توجه ویژه‌ای به شرق و کشورهای آسیایی داشته است، این نگرش در سخنان آن بزرگوار نمایان است. «در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهای آسیایی که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های امروز ما است»، از نظر رهبر انقلاب، نگاه به شرق یک رویکرد واقع‌بینانه بوده که به دنبال استفاده از فرصت‌های ارتباطی با کشورهای مختلف است. در بیانات ایشان، گزاره «ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهای آسیایی که با ما وجه مشترکی دارند» دلالت بر ضرورت توجه ایران به کشورهای همسایه و حوزه آسیا دارد. ایشان با توجه به اهمیت آسیا، کار با این قاره را «مجاهدت» دانسته و می‌گویند: «آسیا یک قاره بزرگی است، ما در غرب آسیا قرار داریم. این منطقه منطقه بسیار حساسی است؛ منطقه - ای است از لحاظ راهبردی مهم، از لحاظ نظامی مهم، از لحاظ منابع زیرزمینی مهم، از لحاظ ارتباط بین سه قاره «آسیا، اروپا و آفریقا» مهم. منطقه مهمی است. روی این منطقه برنامه دارند، نقشه دارند؛ باید این نقشه‌ها را ببینیم چیست و با این مقابله کنیم؛ این شد مجاهدت». رهبر انقلاب، حتی ارتباط علمی با کشورهای پیشرفته آسیایی را در قالب رویکرد نگاه به شرق، بر همکاری با غرب ارجح دانسته و تصریح می‌کنند: «عمدتاً نگاه باید طرف شرق باشد؛ نگاه طرف غرب و اروپا و مانند اینها برای ما جز معطل کردن، جز دردسر، جز منت کشیدن و کوچک شدن هیچ اثری ندارد». (پاک‌آیین، ۱۴۰۰) در اندیشه امامین انقلاب، غرب همواره دشمن ملت ایران محسوب می‌شود؛ دشمنی، عدم اطمینان را در پی

دارد؛ عدم اطمینان از نیات و مقاصد دشمن؛ این دقیقا همان چیزی است که جان مرشایمر از آن به عنوان عامل افزایش قدرت برای حفظ بقا یاد می‌کند.

عامل دوم که در سطح میانه بررسی شده است، نقش آموزه‌های انقلابی و اصول مندرج در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران مانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ است. از زمان انقلاب ۱۹۷۹، روابط ایران با غرب همواره پرتنش بوده است. قطع روابط دیپلماتیک با ایالات متحده، همراه با مشکلات و اختلافات دوجانبه، ایران و کشورهای غربی را علیرغم انعقاد توافق سعدآباد در سال ۲۰۰۳ و به دنبال آن برجام در سال ۲۰۱۵، وارد یک منطقه پرتنش و نامطمئن کرد. این امر ایران را بر آن داشت تا یک استراتژی ویژه سیاست خارجی برای کاهش فشار غرب اتخاذ کند؛ این استراتژی به عنوان «چرخش به شرق» یا «استراتژی شرقی» شناخته می‌شود. (Sanaei & Karami, 2021: 27) نقش آموزه‌های انقلابی در تعریف سیاست خارجی و منافع ملی حاکی از این است که ایران به عنوان یک دولت-ملت مستقل حامل یک پیام ایدئولوژیک و الگوی جایگزین برای نظم موجود است. (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۵) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یک سیاست جامع و فراگیر است و بر اساس مفاد مندرج در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به «تعامل سازنده با جهان» اعتقاد دارد. راهبردهای سیاست خارجی نیز منبعت از این جامعیت است و در عین اعتقاد به ارتباط با کشورهای مختلف جهان، برای تقویت مناسبات با شرق، اولویت قائل است. این رویکرد به معنای بی‌توجهی نسبت به ارتباط با غرب نیست اما به دلیل بی‌اعتمادی به آمریکا و اروپا، اولویت را برای تامین منافع ملی، به شرق داده شده است. (پاک‌آیین، ۱۴۰۰)

عامل سومی که می‌توان از آن به عنوان عامل اصلی سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران یاد کرد، ساختار نظام بین‌الملل است. بعد از انقلاب اسلامی و به تبع آن مسأله صدور انقلاب، بحران فلسطین، مسأله موشکی و هسته‌ای و حادثه ۱۱ سپتامبر؛ جمهوری اسلامی ایران در دیده جوامع غربی، به عنوان کشوری که خواهان تغییر نظم موجود است، ظاهر گشت. بر این اساس، اغلب کشورهای اروپایی و ایالات متحده، سیاست خارجی ایران را در تضاد با منافع خود می‌دیدند. همین عامل، موجب شد تا جوامع غربی که در رأس آن ایالات متحده قرار داشت، اقداماتی را در جهت مهار و در صورت امکان، براندازی حکومت جمهوری اسلامی ایران انجام دهند. از تحریم‌ها و حیل‌گری‌های جیمز

کارتر گرفته تا سیاست مه‌ار دوجانبه آجفرسون کلینتون^۱ که طرح داماتو^۲ نیز جزو همین سیاست محسوب می‌شود، و همچنین نسبت دادن محور شرارت^۳ به ایران در زمان بوش پسر^۴ و تا سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ (گوه‌ری مقدم، ۱۳۹۹: ۱۷۶-۲۲۲-۲۴۰)؛ جملگی، هدف واحدی را دنبال می‌کنند که همان «براندازی جمهوری اسلامی ایران» است. در چنین شرایطی، براساس نظریه واقع‌گرایی ته‌اجمی، جمهوری اسلامی ایران بقای خود را در خطر می‌بیند و لزوم اتخاذ سیاست‌هایی که موجودیت ایران را حفظ کند، موجه می‌سازد.

علاوه بر موارد فوق، موقعیت ژئواستراتژیکی ایران نیز در سیاست نگاه به شرق تأثیر بسزایی داشته است. برای توضیح این گزاره باید خاطر نشان کرد که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در سیاست خارجی چین و روسیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که روسیه از دیرباز برای دستیابی به آب‌های آزاد و استفاده از قابلیت‌های ترانزیتی خلیج فارس همواره سعی در نفوذ و تعمیق بخشیدن روابط خود با ایران بوده و چین نیز به عنوان کشور نوظهور، برای اجرای طرح یک کمربند - یک جاده و تکمیل پروژه‌های اقتصادی خود به شدت به جغرافیای ایران وابسته است. همچنین هند و چین به عنوان اقتصادهای نوظهور برای تأمین انرژی خود به منابع نفت و گاز خلیج فارس وابسته هستند. به طور کلی، راهبرد نگاه به شرق، از یک سو تحت تأثیر آرمان‌ها و هویت ایدئولوژیک نظام است و از سوی دیگر، پاسخی است به محدودیت‌های ساختاری شدیدی که تحریم‌ها و موقعیت ژئوپلیتیک به ایران تحمیل کرده‌اند. لذا این راهبرد، صرفاً یک انتخاب سیاست خارجی نبوده، بلکه پاسخی ساختاری به یک بحران ژئوپلیتیک فزاینده است. در ادامه به تحلیل و بررسی فرصت‌ها و چالش‌های سیاسی - امنیتی راهبرد نگاه به شرق پرداخته شده است.

1- James Carter

2- Dual Containment

3- William Jefferson Clinton

۴- براساس این قرارداد، قراردادهای تجاری شرکت‌های آمریکایی با ایران به صورت یک‌جانبه لغو شدند و شرکت‌ها در صورت امضاء قرارداد، حدود ۲۰ میلیون دلار جریمه می‌شدند.

5- Axis of Evil

6- George Walker Bush

7- Donald John Trump

فرصت‌های سیاسی - امنیتی سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران
فرصت‌های سیاسی - امنیتی سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران را به‌طور کلی می‌توان در سه محور اصلی بررسی کرد: الف) شکستن انزوای راهبردی و ارتقای موقعیت منطقه‌ای؛ ب) ایجاد موازنه نرم در برابر هژمونی غرب؛ ج) دستیابی به کانال‌های امن انتقال فناوری.

الف) شکستن انزوای راهبردی و ارتقای موقعیت منطقه‌ای: با توجه به اینکه جهان آینده «جهان مناطق» و نه جهان «واحد‌های ملی» خواهد بود؛ پیمان‌ها و سازمان‌های متعددی با اهداف اقتصادی و سیاسی و امنیتی نظیر اگو، آسه‌آن، سارک، اوپک و شانگهای در منطقه آسیا شکل گرفته است. مطرح شدن سیاست نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران راهبردی اصولی در این زمینه برای ایفای نقش مؤثر ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و همچنین گسترش و تقویت این سازمان‌ها می‌باشد. (اخوان، ۱۳۹۲: ۷۱-۷۰) یکی از مهم‌ترین سازمان‌هایی که زمینه مناسبی را در جهت ارتقای موقعیت منطقه‌ای ایران و خروج این کشور از انزوای تحمیلی غرب فراهم ساخته، سازمان همکاری شانگهای^۱ است. از اهداف این سازمان می‌توان به تقویت اعتماد متقابل، مقابله مشترک با تروریسم، گسترش همکاری‌های اقتصادی - سیاسی، همکاری برای حفظ صلح و امنیت و ثبات منطقه و اتخاذ راهبردهای هماهنگ برای ورود به ائتلاف با اقتصاد جهانی اشاره کرد. جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر (همان، ۷۴-۷۵)، و در سال ۲۰۲۲ به عضویت دائم این سازمان درآمد. شواهد نشان می‌دهند که این عضویت، دستاوردهای راهبردی چندبعدی برای ایران به ارمغان آورده است. ایران از طریق مکانیسم‌های تصمیم‌گیری این سازمان، توانسته در مهندسی نظم امنیتی منطقه نقش فعال‌تری ایفا کند. برای نمونه، مشارکت ایران در طراحی «نظام مقابله با تهدیدات امنیتی غیرمترعارف» در چارچوب این سازمان، موقعیت ایران به عنوان کنشگر امنیتی مؤثر را تثبیت کرده است. نقش محوری ایران در سازمان همکاری اقتصادی «اگو»^۲ نیز ابزار اقتصادی مهمی در تقویت استراتژی شرقی به‌شمار می‌رود. از زمان تأسیس این سازمان، حمل‌ونقل و ارتباطات، یکی از برنامه‌های مهم آن بوده، به‌گونه‌ای

1- SCO: Shanghai Cooperation Organization

2- Economic Cooperation Organization

که پیشنهاد اتصال شبه‌قاره هند به اروپا از طریق شبکه راه‌آهن پاکستان، ایران و ترکیه در جلسات مختلف اکو مورد بحث قرار گرفته و گام‌های مهمی در این زمینه برداشته شده است. (Sanaei & Karami, 2021: 33-34) در صورت عملیاتی شدن این طرح، قابلیت‌های ترانزیتی ایران چندبرابر ظرفیت فعلی می‌شود که همین امر دامنه فعالیت گسترده‌تری برای ایران از جنبه‌های سیاسی-امنیتی فراهم می‌سازد. بنابراین، مانورهای منطقه‌ای ایران در قالب سازمان‌های منطقه‌ای نظیر اکو و سازمان همکاری شانگهای می‌تواند یک امکان مهم برای منطقه‌گرایی شرقی تلقی شود.

ب) ایجاد موازنه نرم در برابر هژمونی غرب: موازنه نرم، یعنی مجموعه‌ای از اقدامات دولت‌های ضعیف‌تر در مقابل قدرت برتر، که به‌گونه‌ای مستقیم، برتری نظامی قدرت برتر را به چالش نمی‌کشد، بلکه به صورت غیر مستقیم با خنثی کردن مقاصد، به تأخیر انداختن اجرا یا اتمام برنامه‌ها، افزایش هزینه‌ها و تحلیل بردن توان، منجر به مهار قدرت برتر می‌شود. (شیرخانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۱) بر این اساس، مجموعه همکاری‌هایی که جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیایی در قالب سیاست نگاه به شرق و در راستای ایجاد موازنه در برابر غرب داشته است، در این مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد. عضویت ایران در گروه بریکس^۱ در سال ۲۰۲۴ یک نمونه از این همکاری‌هاست؛ گروه بریکس از زمان تشکیل، اهداف متعددی را دنبال کرده که می‌توان آن‌ها را به چند دسته اصلی تقسیم کرد: اصلاح نظام مالی جهانی؛ تقویت همکاری‌های اقتصادی؛ کاهش وابستگی به دلار آمریکا؛ افزایش نفوذ سیاسی؛ همکاری در زمینه‌های علمی و فناوری؛ مقابله با چالش‌های جهانی (URL:2). این پیوستن می‌تواند هژمونی ساختارهای قدرت کشورهای غربی که در موارد بسیاری از طریق ابزارهایی همچون تحریم به ناعدالتی اقتصادی در جهان دامن می‌زنند را به چالش بکشد. (انتظاری، ۱۴۰۲) اما مهم‌ترین اقداماتی که منجر به موازنه در برابر هژمونی غرب شده است را باید در همکاری‌های دوجانبه بین ایران با روسیه، چین و هند در نظر داشت. روابط دوجانبه بین ایران و چین در سال‌های اخیر بسیار گسترش یافته است. گردش مالی تجاری دو کشور در سال ۲۰۱۰ حدود ۱۰ میلیارد دلار بود که در سال ۲۰۱۴ به حدود ۲۲ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۷ به ۳۷ میلیارد دلار رسید و توافق ۲۵ ساله ایران و چین، دو کشور را در مسیر همکاری بلندمدت و

^۱-BRICS

استراتژیک قرار داده است. علاوه بر این، طرح «یک جاده- یک کمربند» چین، با منافع ایران در تضاد نیست و ایران تلاش کرده است تا نقش مؤثری در تعامل با این طرح ایفا کند. (Sanaei & Karami, 2021: 34-35) در زمینه هسته‌ای نیز، چین یکی از شرکای مهم هسته‌ای ایران در دوره ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۷ میلادی محسوب می‌شود. (اخوان، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۷) در خصوص روسیه باید اذعان داشت که، سیاست منطقه‌ای ایران با منافع روسیه، به‌ویژه در سوریه، قفقاز، آسیای مرکزی و افغانستان همسو است. هر دو کشور ادعا می‌کنند که اتحاد آن‌ها معطوف به مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی در خاورمیانه، به‌ویژه در شکست داعش است. روابط دوجانبه ایران و روسیه، به‌ویژه در حوزه نظامی بیش از هر زمان دیگری در حال رشد است. پس از شروع جنگ اوکراین، رسانه‌های غربی ادعا کردند که روسیه از پهبادهای ایرانی در اوکراین استفاده کرده است. از آن زمان، توافق نامه‌های دفاعی دوجانبه بسیاری امضا شده و دیدارهای سطح بالایی از هر دو طرف صورت گرفته است. همچنین توافق شده است که ایران در بهار ۲۰۲۳ جنگده‌های سوخو ۳۵ را از روسیه دریافت کند. (Abbas, 2023: 66-67) در زمینه هسته‌ای نیز، روسیه و ایران همکاری‌های چشمگیری داشته‌اند؛ در این راستا در سال ۱۹۹۵ قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار بین ایران و روسیه به امضا رسید. روسیه عملیات ساخت نیروگاه اتمی را تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای انجام داد. (اخوان، ۱۳۹۲: ۶۴) به‌طور کلی، ایران و روسیه با فشار مشابهی از سوی غرب روبرو هستند که آن‌ها را به هم نزدیک می‌کند و به سیاست نگاه به شرق ایران کمک می‌کند. (Abbas, 2023: 67) تمرینات مشترک نظامی در دریای خزر و خلیج فارس مانند زاپاد در سال ۲۰۲۵ که بین روسیه، بلاروس، هند، بنگلادش و ایران برگزار شد و همچنین همکاری در زمینه سایبری و جنگ الکترونیک نیز نمونه‌های دیگری از این همکاری‌هاست. این اقدامات نه تنها قدرت چانه‌زنی ایران در برابر غرب را افزایش داده، بلکه اهرم‌های فشار جدیدی در اختیار ایران قرار داده است.

ج) دستیابی به کانال‌های امن انتقال فناوری: در مباحث فوق گفته شد که هدف دولت‌ها «تلاش برای حداکثرسازی قدرت در محیط آنارشیک بین‌المللی» است. دستیابی ایران به فناوری‌های حساس از طریق بستری که سیاست نگاه به شرق فراهم کرده را می‌توان نمونه‌ای از این تلاش‌ها در نظر گرفت. جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری

از راهبرد نگاه به شرق، موفق به ایجاد «کریدورهای امن فناوری» شده که این امر در راستای «افزایش توان بازدارندگی» و «کاهش وابستگی به غرب» قابل تحلیل است. نمونه‌ای از این فناوری را می‌توان در همکاری‌های فضایی ایران با روسیه دید؛ بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های فضایی روسکاسموس^۱، ایران در چارچوب توافقنامه همکاری‌های فضایی ۲۰۲۲، به فناوری‌های پیشرفته سنجش از دور و ماهواره‌های ارتباطی دست یافته است که منجر به پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره «خیام» شده است. (Roscosmos, 2024) علاوه بر این، مطابق مطالعه مؤسسه مطالعات امنیت ملی^۲ چین، در چارچوب توافق‌نامه ۲۵ ساله، ایران به فناوری‌های پیشرفته در زمینه سیستم‌های کنترل صنعتی، فناوری‌های نیمه‌هادی و سامانه‌های پردازش ابری امن دست یافته است. (Cybersecurity Research Center, 2024) بر اساس گزارش مرکز مطالعات سایبری دانشگاه پکن، همکاری ایران با شرکای شرقی در حوزه سایبری منجر به توسعه «شبکه ملی اطلاعات» با معماری امن و ارتقای قابلیت‌های دفاع سایبری شده است. (IISS, 2024) دسترسی به فناوری سوخت موشکی جامد و سیستم‌های هدایت پیشرفته نیز از این امر مستثنی نیستند.

چالش‌های سیاسی - امنیتی سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران

چالش‌های سیاسی - امنیتی سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران را به‌طور کلی می‌توان در سه محور اصلی بررسی کرد: الف) افزایش رویارویی با غرب؛ ب) وابستگی راهبردی به متحدانی با منافع متعارض؛ و ج) تشدید گفتمان امنیتی سازی.

الف) افزایش رویارویی با غرب: اتخاذ راهبرد نگاه به شرق از سوی ایران، اگرچه در کوتاه‌مدت موجب کاهش فشارهای غرب شده است، اما در بلندمدت موجب تشدید تقابل با بلوک غرب گردیده است. از منظر نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، این وضعیت نمونه‌ای از «معمای امنیتی» است که در آن اقدامات دفاعی یک کشور توسط دیگران به عنوان تهدید تلقی می‌شود. شواهد عینی نشان می‌دهد که همکاری‌های راهبردی ایران با چین و روسیه، منجر به تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه شرکای تجاری ایران شده است. برای نمونه، در سال ۲۰۲۳، وزارت خزانه‌داری آمریکا^۳ ۱۵ نهاد چینی و روسی را به دلیل

^۱- Roscosmos

^۲-Cybersecurity Research Center

^۳- United States Department of Treasury

همکاری با ایران در حوزه‌های انرژی و نظامی تحریم کرد. (U.S. Treasury Department, 2023) این تحریم‌ها شامل محدودیت در دسترسی به سیستم بانکی بین‌المللی و ممنوعیت معاملات دلاری شده است. همچنین، گسترش همکاری‌های نظامی ایران با روسیه در جنگ اوکراین، موجب تشدید تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران شده است. در سال ۲۰۲۴، اتحادیه اروپا تحریم‌های جدیدی را علیه ۳۲ نهاد و فرد ایرانی به دلیل «همکاری نظامی با روسیه» اعمال نمود. (European Council, 2024) پیامدهای این تحریم‌ها بسیار فراتر از محدودیت‌های اقتصادی بوده است. گزارش مرکز مطالعات اقتصادی خاورمیانه نشان می‌دهد که این تحریم‌ها موجب کاهش ۳۵ درصدی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی ایران و کاهش ۲۸ درصدی صادرات غیرنفتی شده است. (Middle East Economic Research Center, 2024) علاوه بر این، ایران با محدودیت در دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی مواجه شده که تأثیر مستقیمی بر نرخ ارز و تورم در کشور داشته است.

ب) وابستگی راهبردی به متحدانی با منافع متعارض: ایران در چارچوب راهبرد نگاه به شرق، به مرور زمان به شرکای شرقی خود وابسته شده است. این وابستگی از منظر نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، «تهدیدی برای استقلال عمل» ایران محسوب می‌شود. شواهد متعددی نشان می‌دهد که منافع روسیه و چین در بسیاری از موارد با منافع ایران در تعارض قرار دارد. برای مثال، در مسئله دریای خزر، روسیه همواره با تعیین رژیم حقوقی متناسب با منافع ایران مخالفت کرده و در حال حاضر سهم ایران از منابع هیدروکربنی این دریا تنها ۱۱٫۸ درصد است در حالی که سهم روسیه ۲۳٫۳ درصد می‌باشد. در مسئله قره‌باغ نیز، اگرچه ایران خواهان حل صلح‌آمیز مسئله بوده، اما مواضع روسیه و ترکیه در تضاد با منافع امنیتی ایران در منطقه بوده است. در آسیای مرکزی نیز رقابت روسیه و چین بر سر منابع انرژی، مانع از شکل‌گیری همکاری‌های سه‌جانبه مؤثر با ایران شده است. گزارش مرکز مطالعات استراتژیک روسیه نشان می‌دهد که سهم ایران از بازار انرژی آسیای مرکزی از ۱۵ درصد در سال ۲۰۲۰ به ۸ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یافته که دلیل اصلی آن رقابت روسیه و چین در این منطقه است. (Russian Strategic Studies Center, 2024) همچنین، وابستگی فناورانه ایران به چین در حوزه سایبری و ارتباطات، موجب نگرانی‌هایی در زمینه امنیت ملی شده است.

ج) تشدید گفتمان امنیتی‌سازی: راهبرد نگاه به شرق ایران، موجب تقویت گفتمان امنیتی‌سازی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران شده است. بر اساس نظریه امنیتی‌سازی، این فرآیند موجب شده تا غرب، ایران را به عنوان «تهدید مشترک» معرفی کند که این امر به نوبه خود به عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل دامن زده است. تشکیل «ناتوی عربی» با محوریت عربستان و امارات و با حمایت آمریکا، نمونه‌ای از این امنیتی‌سازی است. گزارش مرکز مطالعات خلیج فارس نشان می‌دهد که همکاری‌های امنیتی رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۲۴، ۴۰ درصد افزایش یافته است. همچنین، فروش تسلیحات آمریکا به کشورهای عربی منطقه از ۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ به ۶۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ رسیده که عمدتاً با توجه مقابله با نفوذ ایران صورت گرفته است. این تحولات، موقعیت امنیتی ایران در منطقه را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. تشکیل پیمان‌های امنیتی جدید مانند «پیمان ایبراس» میان هند، برزیل و آفریقای جنوبی با حمایت غرب، و همچنین گسترش ناتو به سمت شرق، فضای امنیتی منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. گزارش مؤسسه مطالعات راهبردی لندن نشان می‌دهد که بودجه دفاعی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در سال ۲۰۲۴ به ۱۵۶ میلیارد دلار رسیده که ۴۲ درصد نسبت به سال ۲۰۲۰ افزایش داشته است. (IISS, 2024)

نتیجه‌گیری

برآیند کلی این پژوهش نشان می‌دهد که راهبرد «نگاه به شرق» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بیش از آنکه یک انتخاب مقطعی یا صرفاً سیاسی باشد، پاسخی راهبردی به محدودیت‌های ساختاری تحمیلی غرب، تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی، و تحولات جاری در نظام بین‌الملل است. بررسی‌های انجام‌شده بر پایه چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی نشان داد که ایران در شرایط آنارشیک نظام بین‌الملل و در مواجهه با تهدیدات مستمر خارجی، کوشیده است با تقویت پیوندهای خود با قدرت‌های شرقی، زمینه‌های لازم برای حفظ بقا، کاهش فشارهای غرب، و بازتعریف جایگاه منطقه‌ای خود را فراهم سازد. در این چارچوب، سه فرصت اصلی برای راهبرد مزبور قابل شناسایی است: نخست، شکستن انزوای راهبردی و ارتقای موقعیت منطقه‌ای ایران از طریق حضور و مشارکت فعال‌تر در سازوکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی همچون سازمان همکاری شانگهای،

اکو و بریکس؛ دوم، ایجاد نوعی موازنه نرم در برابر هژمونی غرب از رهگذر گسترش همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با چین، روسیه، هند و دیگر بازیگران آسیایی؛ و سوم، دستیابی به کانال‌های نسبتاً امن برای انتقال فناوری و ارتقای ظرفیت‌های فنی، دفاعی، فضایی و سایبری. از این منظر، راهبرد نگاه به شرق در کوتاه‌مدت توانسته است بخشی از نیازهای امنیتی و سیاسی ایران را پاسخ دهد و ابزارهایی برای افزایش قدرت مانور منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور فراهم آورد.

با این حال، یافته‌های پژوهش در عین تأیید کارکردهای کوتاه‌مدت این راهبرد، بر وجود چالش‌ها و پیامدهای بلندمدت آن نیز تأکید دارد. نخست آنکه تعمیق همکاری‌های راهبردی ایران با قدرت‌های شرقی، به‌ویژه در شرایط تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی، به افزایش رویارویی با غرب و تشدید فشارهای سیاسی، امنیتی و تحریمی علیه ایران انجامیده است. دوم آنکه اتکای بیش از حد به شرکای شرقی، با توجه به تعارض یا ناهم‌پوشانی منافع آنان با منافع جمهوری اسلامی ایران در برخی حوزه‌ها، می‌تواند به نوعی وابستگی راهبردی و کاهش استقلال عمل ایران منجر شود. سوم آنکه این رویکرد، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، به تقویت گفتمان امنیتی‌سازی علیه ایران کمک کرده و زمینه را برای شکل‌گیری ائتلاف‌ها و ترتیبات امنیتی جدید در تقابل با جمهوری اسلامی ایران فراهم ساخته است. بر همین اساس، نتیجه‌نهایی پژوهش آن است که راهبرد نگاه به شرق، اگرچه در کوتاه‌مدت برای تضمین بقا و کاهش فشارهای خارجی ضرورتی انکارناپذیر دارد، اما در صورت تداوم به شکل ایدئولوژیک و غیرمنعطف، ممکن است در بلندمدت امنیت ایران را در معرض هزینه‌های فزاینده قرار دهد. از این‌رو، گذار از یک «نگاه به شرق ایدئولوژیک» به سوی یک «راهبرد شرقی عمل‌گرا و مبتنی بر محاسبه هزینه - فایده» ضرورتی اساسی دارد؛ راهبردی که در آن، میان منافع کوتاه‌مدت و ملاحظات بلندمدت سیاسی - امنیتی، توازنی هوشمندانه و واقع‌بینانه برقرار شود.

فهرست منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرز (۱۳۸۸)، بررسی واسازانه نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، ۱(۴)
- اخوان، منیره، (۱۳۹۲)، تأثیر سیاست نگاه به شرق بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، نظری
- پاک‌آیین، محسن (۱۴۰۳)، نگاه به شرق از تبیین تا راهبرد (با تأکید بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی)، *فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی*، ۱(۴)
- رحمان تقوایی‌پور، علی باقری دولت‌آبادی (۱۴۰۳)، عوامل مؤثر بر پیگیری رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی دولت سید ابراهیم رئیسی، *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱۳(۱)
- رومی، فرشاد (۱۴۰۲)، تحول در اولویت‌های راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از راهبرد «نه شرقی، نه غربی» تا «نگاه به شرق»، *فصلنامه سیاست*، ۵۳(۱)
- گوهری مقدم، ابودر (۱۳۹۹)، سیاست خارجی آمریکا در عصر جدید (۱۹۰۰-۲۰۲۰)، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
- محمد حسن شیخ‌السلامی، سجاد عطا‌زاده (۱۴۰۱)، آسیایی شدن: خوانشی جدید از راهبرد نگاه به شرق، *روابط خارجی*، ۱۴(۴)
- محمدعلی شیرخانی، رحیم بایزیدی و مجتبی رضازاده (۱۳۹۳)، موازنه نرم: بریکس و چالش برتری آمریکا، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۹(۳)
- مشیرزاده، حمیرا (۱۴۰۱)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ شانزدهم، تهران، سمت

List of English resources

- Abbas, d. S. Q. (2023), **Iran's Look East Policy: A Step Towards Countering Western Pressures**. *Ndu journal*, 37.139
<https://doi.org/10.54690/ndujournal.37.139>
- Arghavani Pirsalami, F., & Dehghan, A. (2025), **Iran in the Whirlpool of the 'look to the east' policy: how dignity and wisdom are the 'look to**

- the east' policy: how dignity and wisdom are sacrificed to expediency. *Third World Quarterly*. <https://doi.org/10.1080/0143597.2025.2559369>
- Çelik, Y. (2022), **An Overview of China-Iran Relations and Its Impact on Central Asia**. *Asya Araştırmaları Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi*. 6 (1)
 - Cybersecurity Research Center, Peking University. (2024), **Iran-China Cyber Cooperation: Assessment and Prospects**. Beijing: Academic Press
 - European Council. (2024). **EU Sanctions on Iran: Implementation Report**. Brussels: EU Publications.
 - Hunter, Sh. (2024), **Why Has Iran's Looking East Policy Failed?**. Arab Center for Reserch & Policy Studies. <https://www.dohainstitute.org>
 - IISS. (2024). **Iran's Technological Capabilities: Annual Assessment**. London: International Institute for Strategic Studies
 - Middle East Economic Research Center. (2024), **Economic Impact of Sanctions on Iran**. Dubai: MEERC Publications.
 - Russian Strategic Studies Center. (2024), **Energy Competition in Central Asia**. Moscow: RSSC Press
 - Roscosmos. (2024), **Russia-Iran Space Cooperation: Progress Report**. Moscow: Russian Space Agency
 - Sanaei, M., & Karami, J. (2021), **Iran's Eastern Policy: Potential and Challenges**. *Journal of World Sociopolitical Studies*. 1(8)
 - U.S. Treasury Department. (2023), **Secondary Sanctions Implementation Report**. Washington: U.S. Government Printing Office.

منابع اینترنتی

- انتظاری، مجید (۱۴۰۲)، عضویت ایران و عربستان در بریکس: دردسر جدید آمریکا، (۲۳ مهر ۱۴۰۴) قابل دریافت در: <https://www.isna.ir/news/1402060201172>
- پاک‌آیین، محسن (۱۴۰۰)، رویکرد نگاه به شرق از دیدگاه رهبر انقلاب، (۲۰ مهر ۱۴۰۴) قابل دریافت در: khabaronline.ir/xhzMg
- نوروزی، رسول (۱۳۹۳)، رئالیسم ته‌اجمی، (۲۳ مهر ۱۴۰۴) قابل دریافت در: <http://pajoohi.ir>
- URL1: <https://abadis.ir/fatofa/1404/08/05>.
- URL2: <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-1031790> (1404/06/11).